



زرتشت پاک

ویکتور هوگو چاره ی میگوید: من زرتشت

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۷ خرداد ۱۳۹۶ ۱۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

ویکتور هوگو میگوید: من زرتشت. در زیر ابرویش ستاره ای میدرخشید و در درون سرش آسمانی نیلگون جای دارد. پیش از آن در اعماق آسمان در نظر مغ ترشرو دو بازیگر موحش در دل ظلمت جلوه گر بودند. از کدام باید ترسید؟ بکدام باید روی نیاز آورد؟ مانی های مجذوب و زرتشت های پریده رنگ دو دست بزرگ میدیدند که ستارگان را در صفحه ی شترنج سیاه آسمان جابجا میکنند... کاهنان خدایان رومی، برهمنها، مغان، گبرها در گذشته فریاد ژوپیترو ویشنو، مهر سرداده اند. اما یکروز در پستی ها و در بلندیها همه ی این نقابها خودبه خود برداشته خو



ویکتور هوگو میگوید: من زرتشتم. در زیر ابرویش ستاره ای میدرخشید و در درون سرش آسمانی نیلگون جای دارد.

پیش از آن در اعماق آسمان در نظر مغ ترشرو دو بازیگر موحش در دل ظلمت جلوه گر بودند. از کدام باید ترسید؟
بکدام باید روی نیاز آورد؟ مانی های مجذوب و زرتشت های پریده رنگ دو دست بزرگ میدیدند که ستارگان را در صفحه
ی شترنج سیاه آسمان جابجا میکنند...

کاهنان خدایان رومی، برهمنها، مغان، گبرها در گذشته فریاد ژوپیتر ویشنو، مهر سر داده اند. اما یکروز در پستی ها و در بلندیها همه ی این نقابها خودبه خود برداشته خواهد شد و چهره ی پر جلال و آرام حقیقت تجلی خواهد کرد.

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «ویکتور هوگو چامه ی میگوید: من زرتشتم»، پارسیان دژ، ۱۳۹۶.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://parsiandej.ir/articles/1040/pdf/ویکتور-هوگو-چامه-ی-میگوید-من-زرتشتم>

آخرین ویرایش مقاله: ۲۷ مهر ۱۳۹۹